

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

گزارش چهارمین کنفرانس هرات و سیاست

«انتخابات و آینده‌ی مردم سالاری»

۴ میزان ۱۳۹۷ - هرات



www.aiss.af

فهرست مطالب

۱.....	معرفی کنفرانس هرات و سیاست
۲.....	مقدمه
۳.....	نشست افتتاحیه
۳.....	سخنران ویژه: بانو وسیمه بادغیسی معاون اجرایی کمیسیون مستقل انتخابات
۶.....	نشست کاری اول: انتخابات، فرصت‌ها و چالش‌ها
۷.....	سخنرانی اول: تحلیل نظام‌های انتخاباتی
۱۰.....	سخنرانی دوم: حزبی شدن نظام انتخاباتی افغانستان
۱۱.....	سخنرانی سوم: انتخابات فرصت‌ها و چالش‌ها
۱۳.....	پرسش‌ها و پاسخ‌ها
۱۴.....	نشست کاری دوم: رسانه‌ها، اجتماع و انتخابات
۱۴.....	سخنرانی اول: بررسی رویکرد جوانان در انتخابات پارلمانی
۱۵.....	سخنرانی دوم: رسانه‌ها و پروسه انتخابات
۱۶.....	سخنرانی سوم: مشارکت زنان در انتخابات
۱۷.....	پرسش‌ها و پاسخ‌ها
۱۸.....	نشست کاری سوم: آسیب‌شناسی کاندیدان، پارلمان و نمایندگان مردم
۱۹.....	سخنرانی اول: آسیب‌شناسی مستقل بودن کاندیدان انتخابات و عدم کارایی احزاب سیاسی
۲۰.....	سخنرانی دوم: آسیب‌شناسی کاندیدان از نظر کمیسیون شکایات انتخاباتی
۲۱.....	سخنرانی سوم: نقش وکلای مردم هرات در پارلمان
۲۲.....	پرسش‌ها و پاسخ‌ها
۲۴.....	پیوست‌ها

معرفی کنفرانس هرات و سیاست

کنفرانس هرات و سیاست از جمله کنفرانس‌هایی است که توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در شهر هرات آغاز و برگزار می‌گردد. این نشست به‌منظور بررسی جایگاه هرات در عرصه‌ی سیاست و ورزی راه اندازی شده است. این نشست بنا دارد تا با نگاهی ژرف انزوای سیاسی هرات را مورد واکاوی پژوهشی و علمی قرار دهد. این سلسله نشست‌ها از ماه ثور/ اردیبهشت ۱۳۹۶ آغاز و با بررسی‌های مختلف در حوزه‌های مختلف مربوط به هرات ادامه خواهد یافت. در این نشست‌ها اқشار مختلف جامعه همچون: مقامات دولتی، نویسندگان، پژوهشگران حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و هنری، جامعه مدنی، فرهنگی و اصحاب رسانه در هرات گردهم آمده و در مورد جایگاه هرات در عرصه‌ی سیاسی به تبادل نظر می‌پردازند. این نشست‌ها به مانند مدل و طرح سلسله کنفرانس‌های گفتگوهای امنیتی هرات شکل گفتگو را دارد و از دل این گفتگوها به دنبال راهکارهایی علمی، کاربردی و استراتژیک در مورد مسائل مربوط به هرات است. بدین منظور این نشست‌ها قرار است تا ابعاد مختلف این انزوای سیاسی را با مقالات علمی-پژوهشی مورد بازبینی قرار دهد. در این نشست مقالات و سخنرانی‌هایی در مورد هرات و سیاست ارایه می‌شود.

انتخابات و آینده‌ی مردم سالاری

زمانی که خواسته باشیم از تاریخ سیاسی و اجتماعی شهر و شهروندان هرات سخن برانیم، اولین یادواره‌های موجود پیرامون سیاست این شهر، دژ بزرگی است که نشان از دُردی اندیشه، خرد، فرهنگ، هنر و سیاست دیرینه‌ی این شهر دارد. زال زمان به پهنای این سخن با ماست که هرات در تمامی تمدن‌های تاریخی گواه شاخصه‌های عظیم سیاست‌ورزی در منطقه بوده است. شمیره رادزنی که از اولین سیاستمداران این خطه است تاریخ سیاسی این شهر را بنام خود و دژ با ابهت‌اش رقم زده است و دست با درایت‌اش را به قامت استوار تاریخ سیاسی هرات، ملکه گوهرشاد داده است. افزون بر آن شهر هرات در همه‌ی ادوار تاریخ نمونه‌ای از تجدد، تسامح، همزیستی و روشن‌اندیشی بوده است. وجود تمدن تیموریان هرات را به زیب و فرّ با شکوه و منزلت جهانی رسانده است؛ تا جایی که مبدل به پایتخت فرهنگ و سیاست خراسان بزرگ گشته بود. همچنان هرات از منظر ادیان پرورش‌گاه بزرگ‌ترین ادیان جهان بوده است. رابطه دین به دولت‌ها در این هرات چنان گره و بافت خورده که عارفانی پاکدل و صوفیان صاف این سرزمین در صدر مجلس و بزرگان حکومت‌داری هرات، مستشاری می‌کردند.

هرات در دوره معاصر و پس از تشکیل دولت مدرن در افغانستان همواره یکی از شهرهایی بوده که رابطه‌ی شهروند و قانون بر آن یکی از مستحکم‌ترین شرایط شهروندی است. دموکراسی بالنده، آزادی بیان، داخواهی‌ها و موجودیت گروه‌ها و جریان‌های منتقد پس از تشکیل دولت مدرن افغانستان بیش‌تر وسیع به این رابطه‌ی شهروندی بخشیده است. روی دیگر سکه روایت‌گر آن است که هرات ولایت قانون و حاکمیت قانون است. آنچه که بر همه‌گان مبرهن است، روند مردم‌سالاری در انتخابات به مانند نهال نوغرسی است که پس از حاکمیت امارت طالبان در افغانستان بیشتر به بار نشست. نمایان‌ترین بزرگترین کارنوال سیاسی در انتخابات پارلمانی، شورای ولایتی و ریاست جمهوری روایت از روند دموکراتیزه شدن جغرافیای سیاسی هرات دارد. اما آنچه جای بحث و گفتگو دارد، پرسشی است که مردم افغانستان چقدر توانسته‌اند از این روند استفاده نموده و جایگاه شهروندان در این روند چقدر توانسته رفا و آسایش شهروندی را ببار آورد. انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان با اجرا و راه‌اندازی کنفرانس‌های علمی کوشش بر آن دارد تا چند و چون این روند را بصورت علمی مورد بررسی قرار داده و جایگاه شهروندان هرات را در روند قانون‌مند ساختن این مرز و بوم مورد بازبینی قرار دهد. چهارمین کنفرانس هرات و سیاست که از سلسله کنفرانس‌های علمی انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان است، به موضوع انتخابات و آینده‌ی مردم سالاری پرداخته است. در این نشست کارشناسان امور پیرامون آینده‌ی مردم سالاری و روند انتخابات حوزه‌ی اختصاصی هرات مقالاتی را تهیه و به خوانش گرفتند. این مقالات هر کدام به بعدی از مسئله انتخابات پرداخته است. این گزارش چکیده‌ای از سخنرانی‌های کارشناسان امور در مورد مسئله انتخابات را در خود دارد. امید است این سلسله نشست‌ها بتواند راه گشای بسیاری از امور در مورد مسائلی باشد که هرات با آنها دست و پنجه نرم می‌کند.

نشست افتتاحیه

این نشست با خوش آمدگویی عرفان ارزاز مسئول دفتر زون غرب انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان آغاز یافت. وی در کنار خوش آمدگویی به نکات در مورد پوپولیسیم انتخاباتی و اینکه چگونه این پوپولیسیم بر وضعیت انتخابات افغانستان نیز سایه انداخته است اشاره‌ای داشت. سپس بانو وسیمه بادغیسی معاون عملیاتی کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان سخنرانی خویش را ایراد فرمود.



جلسه افتتاحیه و سخنرانی سخنران ویژه

سخنران ویژه: بانو وسیمه بادغیسی معاون اجرایی کمیسیون مستقل انتخابات

بانو بادغیسی سخنان خویش را پیرامون انتخابات افغانستان، مکانیزم و پاسخگویی این سیستم ارایه کرد. انتخابات در افغانستان از جوان‌ترین مفاهیم سیاسی و روندهای مردم‌سالاری برای باروری نظام دیموکراتیک در چند دهه اخیر افغانستان است. پس از سقوط حکومت طالبان، افغانستان وارد یک فراخ‌نای بزرگ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گشت. انتخابات به عنوان یکی از بزرگترین رویکردهای دولت‌های دیموکراتیک دوباره در افغانستان جان گرفت و نسل نوین افغانستان این روند حکومت‌داری و نظام‌دسازی جامعه را تجربه نموده‌اند. ولی نکته‌ی مهم و درخور توجه این انتخابات‌ها چالش‌های تخنیکی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است که همواره افت و خیزهای انتخاباتی را دربرداشته است، تاجای که برخی از انتخابات‌ها؛ کشور را بسوی بحران برده و سبب

تصمیم‌گیری‌های سیاسی برای ملت افغانستان شده است. چنین تصمیم‌گیری‌های سیاسی و ارزش قائل نشدن به انتخابات و روند مردم سالاری سبب تضعیف روحیه‌ی مردم سالاری و نهادینه نمودن دموکراسی می‌شود. بنابر این من در قدم نخست می‌خواهم به این پرسش‌ها پاسخ ارائه بدارم که: دلیل به بحران رفتن انتخابات چیست؟ چرا نتایج انتخابات برای مردم افغانستان قابل قبول نیست؟ و در اخیر هم این که چرا تامین شفافیت ورد و زبان زد مردم افغانستان شده است؟ نخستین محور بحث از این‌جا آغاز می‌شود که نگاه مردم نسبت به انتخابات، مشارکت سیاسی، جامعه دیموکراتیک و روند مردم‌سالاری چه خواهد بود؟ یکی از روایت‌های که تاریخ جوامع دیموکراتیک برای ما از کشور های پیشرفته و دیموکراتیک آورده است، قسمت اعظم ساخت بنیادهای فکری جامعه در مراحل مختلف اولیه زندگی افراد ساخته می‌شود. مکتب‌ها، دانشگاه‌ها و حتی کودکان‌ها ما فهم را خورد و خمیر کرده و برای هر سن از افراد جامعه تغذیه‌ی ذهنی و فکری می‌نمایند. ولی طوری که در گذشته‌ی معارف و تحصیلات افغانستان، متوجه می‌شویم؛ در می‌یابیم که، در مورد فرهنگ مردم سالاری و تدریس این مهم برای نوجوانان و جوانان تلاش کمی صورت گرفته است. و می‌توانیم بگوییم که در کمتر و یا هیچ مقطع‌ی از دروس و زندگی اجتماعی نوجوانان تدریس مستقیم و ضمنی دیده نمی‌شود که روحیه مردم سالاری و شیوه‌های دیموکراتیک را تقویت نماید. در نتیجه، زندگی سیاسی و اجتماعی یک فرد؛ در عدم فهم و درک واقعی از این پدیده‌ی بزرگ سپری می‌شود. همچنان درباره‌ی آموزش‌های کوتاه‌مدت افراد و یا آگاهی‌دهی‌های اجتماعی باید بگوییم که به‌جز از ولایت‌های بزرگ در ولایات دیگر این مهم کم‌رنگ و کم‌ریشه است. تاجای که حتی بعضاً به پدیده‌ی سیاسی و اجتماعی انتخابات آشنایی اولیه را ندارند. در قسمت فعالیت‌های رسانه‌ها و نهادهای مدنی در زمینه‌ی ساخت زیرساخت‌های دیموکراتیک به جز در شهرهای بزرگ و آن‌هم در جوامع که ساختارهای دیموکراتیک برای‌شان قابل فهم است، بسنده شده و در دیگر ولایت‌های کشور در خور توصیف نیست. این در حالی‌ست که تمامی این عوامل باعث می‌شود که فقر اقتصادی و فرهنگی در اندیشه‌ی برگزاری انتخابات غالب شود. و نهال نو غرس شده‌ی دیموکراسی تحت تاثیر چالش‌های بیرون رفته و تندباد حوادث قدش را خم نماید. باید در اینجا از روحیه‌ی مردم یادآوری نمایم. وقتی سایه‌ی تقلب به ذهن، زندگی و حیات سیاسی مردم غالب می‌شود. و اندیشه‌ی آن در میان مردم از راه‌های تبادل پول‌ها و وعده‌های پس از انتخابات مطرح می‌شود نتیجه‌ی آن، این روحیه و رویکرد خواهد بود، که انتخابات برای متمولین و افراد با نفوذ هر محل و یا شهر می‌باشد. در این صورت سبب می‌شود که روحیه‌ی شایسته سالاری میان مردم کم‌کان تضعیف و انزوای سیاسی نخبه‌گان صورت‌گیرد. اگر نگاه ویژه‌ی برای جامعه هرات داشته باشیم. به نظر میرسد که هرات دارای یک جامعه‌ی بسیار خوب برای مطالعه‌ی روند دموکراسی در افغانستان است. به دلیل اینکه تحقیقات علمی دیگر نشان میدهد که شهروندان هرات بنا به درک مسائل سیاسی و اجتماعی خود، شخصیت‌کاندیدان را بررسی نموده، برای‌شان رای می‌دهند. اندیشه ارباب مآبانه و دیدگاه‌ی سمتی، قومی، نژادی برای بیشترین تعداد افراد این شهر معنا پیدا نموده، و برای آینده و امروز حیات سیاسی خود افراد را انتخاب می‌نمایند. ولی در شهرهای دیگر جستارها نشان داده است که غالباً افراد بنا به رویکرهای سمتی، مذهبی و قومی افراد را گزینش می‌نمایند. و جامعه را در یک بن‌بست سیاسی، اجتماعی و حقوقی قرار می‌دهند.

دومین بحث من، پیرامون انتخابات و آینده‌ی مردم سالاری در افغانستان فراسوی محور، جامعه‌ی مدنی فعال و ناظرین انتخابات هست. در این مورد متوانم بگوییم که به جز از بزرگ‌شهر های که در آن جامعه مدنی پویا و رسانه‌های فعال وجود دارند، دیگر ولایت از نبود این همیاران و آبیاران دموکراسی رنج می‌بریم. جامعه‌ی مدنی که نقش موثر و نظارت‌کننده‌ی در انتخابات دارد. یک بازوی توانمند نظام‌های دیموکراتیک است. در مورد میکانیزیم تامین‌کننده‌ی شفافیت انتخابات که همانا حضور ناظرین نهادهای مدنی و رسانه‌های باشد. خوش بختانه هرات یکی سرآمدان‌ی است که در آن نقش جامعه مدنی و رسانه‌های فعال در تامین شفافیت پروسه‌ی انتخابات بارز است. ولی شوربختانه در دیگر ولایت‌ها جامعه‌ی مدنی را کم‌رمق و بیجان می‌بینیم. با این رویکرد مستقیماً ذهن ما با تئوری توطئه منقوش گردیده که شاید در آن ولایت‌ها شفافیت بصورت باید و حتم آن تامین نشود. بنابراین برای هر فرد از جامعه‌ی

افغانستان وجیهه است که باید در روند شفافیت انتخابات و تقویت این نهال نوغرس شده دموکراسی، یاری نموده در رشد و گوفایی آن بافزاید.

اجازه دهید سومین مبحث از سخنان خود را پیرامون احزاب سیاسی به عنوان یکی از شرکای اصلی انتخابات آغاز نمایم. از آنجای که اساس دیموکراسی و ساختن پارلمان با وجود احزاب مختلف و وجود آن‌ها در پارلمان شکل می‌گیرد. و بدون احزاب سیاسی دموکراسی هم یک نقض عمده‌ی را دارا می‌باشد. انتخابات در افغانستان از نبود این مهم رنجور بوده و نقش احزاب را کم‌بار و دور می‌بینیم. در افغانستان متأسفانه احزاب سیاسی فاقد ساختار نظارت‌کننده از انتخابات‌های افغانستان بوده و در بسیاری از نقاط عمده‌ی از مراکز رای دهی، احزاب سیاسی فاقد یک ساختار نظارتی برای تفسیر و گزارش‌دهی از روند انتخابات می‌باشند. بدین معنی یکی از چالش‌های عمده‌ی فراروی انتخابات کمتر فعال بودن و کمتر ساختارمند بودن احزاب سیاسی است. هرچند بعضی از احزاب سیاسی با کتله‌ها و افراد قوی وجود دارند، ولی ساختارهای دیموکراتیک را کمتر دارا می‌باشند و حتی تعداد افرادی را که برای شفافیت روند انتخابات؛ بمفهوم اتاق نظارت معرفی، هنوز در هیچ‌یک از احزاب سیاسی ما تشکیل نشده است. امیدوار هستیم که به زودی این ساختارها در تمامی احزاب سیاسی برای نقش پر تلاش‌شان در راستای تامین عدالت، شفافیت و جامعه مردم سالار در بدنه نظام دیموکراتیک ساخته و پویا شود.

چهارمین مبحث سخنان من مربوط می‌شود به ساختارهای رسمی حکومت. تا حال ما به ساختاری های اجتماعی پرداخته‌ایم، ولی حالا می‌خواهیم به ساختارهای رسمی به عنوان نهادهای حمایت‌کننده و تضمین‌کننده برگزاری انتخابات، بپردازیم. وقتی سخن از دیموگرافی بوجود می‌آید شاید افغانستان از محدود کشورهای جهان باشد که تا بحال از تعداد جمعیت خود ناآگاه است. و در مورد این که جمعیت کلی افغانستان به چه مقدار است. هنوز پرسش‌های زیادی وجود دارد. هرچند که اداره‌ی بنام احصائیه مرکزی افغانستان وجود داشته و داده‌های را برای مردم ارائه می‌دهد. اما اینکه چقدر این داده‌ها قابل قبول است، پرسش‌های زیادی وجود دارد. در یکی از بخش‌های ارائه شده؛ جمعیت افغانستان در حدود ۲۹،۴ میلیون نفر معرفی شده ولی بعداً این رقم به ۳۴ میلیون نفر صعود کرد است. در این چالش بخوبی دیده می‌شود که جمعیت رای دهندگان به چه صورتی تنظیم می‌شود. و یا اینکه جدول رای دهندگان بصورت جمعی ترتیب و تنظیم نمی‌باشد. این مسئله در واقع یکی از چالش‌های عمده‌ی عدم شفافیت در انتخابات را بوجود آورده است. و ما به عنوان برگزارکنندگان انتخابات، می‌کنایزیم خاصی را برای جمعیت رای دهندگان نتوانسته‌ایم ترتیب و تنظیم کنیم. باید چشم پوشی نکنم که این یکی از چالش‌های بزرگ ساختار رسمی حکومتی در روند انتخابات است. اما با تمامی این رویکردهای که مثل سنگ‌ریزه‌های یک سخره جلو راه قرار دارد. ما به عنوان یک کمیسیون دیموکراتیک، کوشش نموده ایم تا جمعیت رای دهنده را تعریف نموده و تشخیص دهیم که چقدر واحد شرایط رای دهی می‌باشند. مثلاً برای شهری مانند هرات چند میلیون نفر واجد شرایط رای دهی بوده و برای این چند میلیون واجد شرایط رای؛ چه برنامه‌های رای دهی داشته باشیم. به همین دلیل تنها راه و یا کار بنیادین از طرف کمیسیون تشکیل و ترتیب یک لیستی از اشخاص رای دهنده بود. که بر اساس لیست رای دهنده ما بتوانیم افراد را به یک مرکز سوق داده و بر اساس تمامی این فهرست‌ها ما بدانیم که در ولایتی چون هرات چقدر واجد شرایط رای دهی و رای دهنده دارا می‌باشیم. این در واقع همان راهی بود که سوای از نهادهای مدنی، احزاب سیاسی، دایره حکومتی مثل احصائیه مرکزی، اداره ثبت‌احوال نفوس و دیگر نهاد های زیربط، کمیسیون مستقل انتخابات برای برگزاری انتخابات شفاف یک سیستم رای دهی پاسخ را ارایه بدارد. در قسمت اینکه ما فهرست رای دهنده‌گان را بصورت شفاف ما بتوانیم تنظیم نمایم. راه‌های زیادی را جستجو نمودیم. یکی از آن راه‌های ارائه شده، موجودیت سیستم الکترونیکی بایومتریک است که افراد شصت و دیگر اجزای مشخصاتی‌شان را وارد سیستم نموده و ثبت گردد. اما زمانی که از موجودیت سیستم‌های الکترونیک شرکای انتخاباتی کمیسیون را نظیر نهاد های مدنی و احزاب سیاسی خبر داده ایم. به چالش‌های چون مباحث مالی این سیستم و موارد تخنیکی مواجه

شدیم. متعاقباً این سیستم را نسبت به نداشتن توافق شرکا و هزینه‌های زیاد انتخاباتی کنار گذاشته و صرف‌نظر نموده ایم. اما برای پاسخ بر اینکه چه قوه و محرکه‌ی بصورت کل توانسته در کنار گذاشتن این سیستم عامل واقع شود. دسته‌ی از مباحث مالی، فرهنگی اجتماعی و سیاسی وجود داشته که توانسته در کنارهم برای استفاده از این سیستم جلوگیری کند. بطور مثال شهروندان هرات به عنوان آدرس فرهنگی افغانستان شاید برای استفاده از سیستم بایومتریک برای بانوان نسبت به گرفتن عکس از مردمک چشم و یا ثبت هویت بانوان توافق نظر نداشته و خودداری نمایند. بدین اساس تصمیم گرفته‌ایم که راهی را که نتوانیم به سرمنزل مقصود برسانیم دیگر ادامه نخواهیم داد. در کنار اینکه میکانیزمی که کمیسیون انتخابات برای تهیه فهرست رای دهنده‌گان انجام می‌دهد. میکانیزم‌های دیگر داخلی هم هستند که کمیسیون در کنار آنها برای شفافیت برگزاری انتخابات انجام می‌دهد. براین اساس تا زمانی که تمامی رویکرد ما به شهروند مسئول، نهادهای مدنی فعال، احزاب سیاسی فعال و میکانیزم‌های پاسخ‌گو باشد. می‌توانیم یک انتخابات شفاف را برگزار کنیم. و اگر هیچ‌یک دیگر از این یارمندان و بازوان برگزاری انتخابات نقش خود را ایفا نمایند، کمیسیون انتخابات نمی‌تواند بصورت جادویی و فراذهنی و علمی یک انتخابات شفاف و همه‌شمول را برگزار نماید.

نشست کاری اول: انتخابات، فرصت‌ها و چالش‌ها



نشست کاری اول: انتخابات: چالش‌ها و فرصت‌ها

سخنرانان

- محمد میرویس فضلی استاد دانشگاه
- بانو فاطمه جعفری عضو شورای ولایتی
- سلطان احمد آریا استاد دانشگاه

بانو نوریه نورزاده استاده دانشگاه که گرداننده اولین میزکاری چهارمین دور کنفرانس هرات و سیاست بود با قطعه شعری از حضرت جامی برنامه را آغاز نموده و سپس پیام خوش آمدید به تمامی مهمان و اشتراک کننده گان ابراز نمود. پس از آن بانو نوریه نورزاده از سخنرانان میز اول از چهارمین کنفرانس هرات و سیاست خواست تا به جایگاه تشریف بیاورند. متعاقب سخنرانان میز اول به ترتیب طبق جدول زمان بندی شده ی از سوی بانو نورزاده به ایراد سخن پرداختند.

سخنران اول: میرویس فضلی استاد دانشگاه کهکاشان شرق

موضوع: تحلیل نظام های انتخاباتی

محور سخنرانی من پیرامون نظام های انتخاباتی است و اینکه چه نوع نظام های انتخاباتی در جهان وجود دارد و افغانستان به عنوان یک واحد سیاسی از کدام نوع نظام های انتخاباتی با توجه به الگوهای داخلی خود استفاده می نماید. نکته ی که در ابتدا می خواهم یادآوری نمایم اینست که هیچ نظام انتخاباتی در ذات خود خوب نیست و هیچ نظام انتخاباتی هم در ذات خود بد نیست. همه نظام های انتخاباتی نسبی هستند مگر اینکه شرایط مناسب یک نظام انتخاباتی در یک کشور فراهم باشد. بحث نخست این است که ما باید چه شاخص های مهم برای پیش درآمد یک نظام انتخاباتی داشته باشیم؟ و بعد به دنبال یکی از آن ها رفته و ببینیم که چه نوع نظام انتخاباتی می تواند برای ما کارساز باشد. عموماً در یک کشور انتخابات می تواند دیموکراتیک و غیر دیموکراتیک بودن نظام را خوب به نمایش میگذارد. و غالباً با نوع استفاده از روش انتخاباتی است که می توانیم خوبی و بدی یک انتخابات را بررسی کنیم. در نخست می خواهم نیم نگاهی به تاریخ این مهم داشته باشم. انتخابات به لحاظ تاریخی راه پر و پیچ خمی را داشته است. آتن باستان از جمله شهرهایست که انتخابات را به ساده ترین شکل و ممکن آن برگزار می نمود. وجود مجلس های الیزیا و بولط در زمان حکومت داری پرکلس از طریق انتخابات و رای مردم استوار گردیده است. بعداً انتخابات به شکل معاصر بر اساس و بنیاد رای دهی در بریتانیا گذاشته شد. در آن زمان طبقه برژواها می خواستند تا وارد قدرت شوند و فوفودار ها از مناطق روستایی وارد شهرها شده و کارخانه ها را ایجاد نموده اند. طبقه فوفودار ها خواهان رسیدن به مجلس لردان بوده اند. ولی مجلس لردان نمی خواستند که با طبقه عام مردم حضور داشته باشند. به این ترتیب ادوارد اول در بریتانیا با روش انتخابات مجلس نمایندگان را تاسیس نمود. و برای مردم اجازه داد تا نمایندگان خود را در حوزه های مختلف در مجلس نمایندگان انتخابات نمایند. سپس به مفهوم واقعی تر انتخابات در قرن هفدهم و هیجدهم در اروپا با گرفتن قدرت از پاپ های کلیسا به مردم تجلی پیدا نمود. اما انتخابات به مفهوم واقعی در نیمه دوم قرن بیستم در کشور های اروپایی، آمریکایی و بعضی از کشور های آسیای، تحقق پیدا نمود. در نخست می خواهم به چند مفهومی که بنیاد های سیاسی انتخابات بر آن استوار است، برایتان بیان نمایم. آنچه که برای یک انتخابات مهم پیدا شده می شود همانا آزادی سیاسی است. در کشور های که آزادی سیاسی وجود نداشته باشد مردم نتوانند به مفهوم واقعی با آزادی سیاسی فکر کنند. برگزاری انتخابات هم در آن کشورها معنی و مفهوم پیدا کرده نمی تواند. بدین لحاظ این آزادی سیاسی است که نقش پررنگی

در برگزاری انتخابات دارا می‌باشد. دومین مفهوم استوار بخش یک نظام مردم سالار، اصل عدالت سیاسی است، یعنی قاطبه ملت باید به آن درک عدالت سیاسی رسیده باشند و نوع نظامی در یک کشور باید و حاکم باشد که همه مردم خود را با حقوق برابر در آن آینه پیدا نمایند. به دنبال دو مفهوم آزادی سیاسی و عدالت سیاسی اصل دیگری که برای یک نظام انتخابی هویدا می‌شود. اصل برابری سیاسی می‌باشد. در کشور های که همه برابر اند ولی عده‌ی برابرتر اصل برابری سیاسی مفهوم خود از دست می‌دهد. اصل برابری سیاسی را زمانی می‌توانیم بگویم که در یک کشور نظام انتخاباتی موفق است، که همه شهروندان همانند رشته های یک شانه در کنار هم دیگر با داشتن حقوقی مساوی در انتخابات شرکت نموده؛ و در نظام سیاسی نقش خود را ایفا نمایند.

اصل دیگری که بر مشروعیت نظام انتخاباتی رابطه دارد، اصل عدم تبعیض است. در یک نظام انتخاباتی باید میان شهروندان یک کشور هیچ یک تبعیضی چون تبعیض قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و غیره وجود نداشته باشد. و انتخابات باید با یک اصل بدون تبعیض برای شهروندان ارائه گردد.

در پیوست به اصول دیگر اصل دیگری که باید وجود داشته باشد. اصل حاکمیت قانون می‌باشد. در کشور های که حاکمیت قانون به مفهوم واقعی وجود نداشته باشد و قانون به شکل سوری آن حاکمیت داشته باشد. انتخابات هم مفهوم واقعی خود را از دست می‌هد.

سوالی خلق می‌گردد که اصول کارآمد برای یک انتخابات چه چیزهای می‌تواند باشد؟ در پاسخ، به این اصول می‌توانیم برسیم.

۱- اصل منصفانه بودن انتخابات: اصل منصفانه بودن انتخابات بدین معنی است که مردم بتوانند خواسته های خود را بطور آزادانه ابراز نموده. و بر اساس منافع ملی و حتی دیدگاه‌های شخصی تعامل داشته باشند. چون مردم حق دارد که در پرتو قانون خواسته‌های خود را در یک نظام دموکراتیک داشته باشند.

۲- اصل شفافیت: این اصل همان اصلی است، که برای یک نظام انتخاباتی مشروعیت بخشیده. و همچنان می‌تواند به شکل اعظمی بر وجود شهروندان نسبت به شرکت در انتخابات. در بخش‌های رای دهی، سهم و مشارکت در کاندیدا نمودن حمایت نماید. در واقع این اصل تجلی انتخابات بوده و مردم این اصل را همان پل میان مردم و انتخابات میدانند. اما زمانی که شفافیت در یک نظام وجود نداشته باشد. نه مردم خود بپای صندوق‌های رای می‌روند و نه هم اشخاص جرعت کاندید شدن را به خواهند داشت.

۳- اصل پاسخ‌گویی: این اصل مردم را متوجه مینماید که بر اساس این اصل شما می‌توانید از برگزار کننده‌گان انتخابات گذارش بطلبید. نسبت به ایت اصل مردم باید بدانند چه کسانی در راس برگزاری انتخابات قرار دارند. و چه کسانی از انتخابات پاسخ‌گو هستند. اگر پاسخ‌گویی در مراحل انتخابات و پس از انتخابات وجود نداشته باشد. اصل مشروعیت انتخابات را به چالش کشیده و مردم در انتخابات های بعدی از مشارکت‌شان همچنانی که در افغانستان دیده می‌شود ابا می‌ورزند. بدین لحاظ کسانی که در راس برگزاری انتخابات هستند باید مردم را با ابزار های مختلف تشویق و ترغیب نمایند که در انتخابات شرکت نمایند.

۴- اصل دسترسی به اطلاعات یکی دیگر از اصل‌های مهم در انتخابات است. کمیسیون‌ها و یا کمیته‌های که برای برگزاری انتخابات در کشورها تشکیل می‌شوند، یکی از وظایف عمده‌ی آنها گسترش اطلاعات عمومی و آگاهی‌دهی نسبت به انتخابات می‌باشد. در کشور های نظیر افغانستان که پس از بحران قرار دارند و شهروندان آگاهی نسبی را نسبت به انتخابات ندارند. از طرفی هم طبقه کمی سواد جامعه و یا حتی بی‌سواد جامعه نسبت به اشخاص با سواد جامعه بیشتر هستند. کمیسیون‌ها باید در قسمت آگاهی‌دهی تلاش ورزیده و مردم را ذهنیت ببخشند که حتی پس از انتخابات هم اشخاصی که با اراده شهروندان به مسند قدرت رسیده اند باید برای شهروندان پاسخ‌گو باشند.

۵ اصل رای همگانی: اصل آخری که در نظام‌های انتخاباتی استفاده می‌شود اصل رای همگانی می‌باشد. در این اصل باید بستر همگانی برای تمامی شهروندان هموار باشد. اگر شهروندی در شاخ و اخان افغانستان هم زندگی می‌نماید باید بستر استفاده از رای و مشارکت در نظام دموکراتیک برای آن هموار باشد. و دولت در مقابل هر شهروند مکلفیت دارد، که فضا را برای همه شهروندان افغانستان طبق قانون اساسی افغانستان ایجاد نماید تا به پای صندوق های رای با توجه به حق استفاده از رای بایستند و نماینده و ضعیف خویش را انتخاب نماید.

بحثی که عمدتاً در رابطه به نظام‌های انتخاباتی وجود دارد، از اینجا آغاز می‌شود که در جهان عمدتاً سه نظام‌انتخابی وجود دارد. هر کشور نظر به شرایط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و شئون اجتماعی خود، نوع نظام‌انتخابی مربوط به خود را دارد. اما سه نوع نظام‌انتخابی در جهان وجود دارد.

۱- نظام انتخاباتی اکثریتی: نظام انتخاباتی اکثریتی را به دو بخش منقسم ساخته اند. بخش اول نظام اکثریتی مطلق و نظام اکثریتی ساده. که افغانستان به عنوان یک کشور از نظام انتخاباتی ساده استفاده می‌نماید. این بدین معنی است که هرکس در انتخابات بلندترین رای را آن خود نماید به عنوان نماینده گزیده می‌شود. نکته‌ی مثبت نظام انتخاباتی اکثریت ساده اینست که، انتخابات بطریق ساده برگزار میگردد و اگر کمیسیون‌ها در یک کشور از توانایی و تخصص کافی در رابطه به انتخابات نداشته باشند برایشان ساده است، که از این نوع نظام‌ها استفاده نمایند. اما در کنار دیدگاه مثبت نسبت به این سیستم، دیدگاه روی دیگر سکه هم این است که به باور کسانی که امروزه در جهان به حقوق انسانی، حقوق شهروندی و اصل حکومت‌های دیموکراتیک باورمند هستند. این است که اکثریت رای مردم در این نظام سوخته می‌شود. و همه مردمی که در انتخابات شرکت می‌نمایند رای‌شان به شکل نسبی محاسبه میگردد. و عده‌ی دیگری هم که در صندوق‌ها رای‌شان را استعمال می‌نمایند. رای‌شان محاسبه نمی‌گردد.

۲- نظام انتخاباتی تناسبی: در این نوع نظام انتخاباتی بیشتر احزاب سیاسی زی‌دخل می‌باشند. که بصورت دو روشی این نوع نظام انتخاباتی شکل پیدا می‌کند. ۱ نظام لستی ۲ نظام رای قابل انتقال. در نظام لستی احزاب سیاسی لست‌های خود را اعلان نموده و بر اساس میزان رای که در انتخابات از آن خود نموده اند تعداد نماینده معرفی می‌نمایند. در کنار این، شکل دومی نظام تناسبی نوع نظام قابل انتقال است که درین نوع نظام رای از یک گروه به گروه دیگر و یا از یک کاندید به کاندید دیگر انتقال پیدا میکند.

۳- سومین نوع نظام انتخاباتی که در نهایت معرفی میگردد نوع نظام انتخاباتی تلفیقی و یا ترکیبی است. این نوع نظام انتخاباتی را در رده نظام های میانه‌رو آورده اند. و اکثریت کشور های جهان تلاش می‌نمایند که از نوع نظام تلفیقی استفاده نمایند. چون که در این نوع نظام انتخاباتی احزاب سیاسی و گروه های مستقل در کنار همدیگر نقش دارند.

و اما افغانستان به عنوان یک جغرافیایی سیاسی که دارای کثرت قومی، زبانی و مذهبی است و همچنان به لحاظ جغرافیایی هم اشکالاتی در افغانستان وجود دارد. نظام انتخاباتی ترکیبی به عنوان بهترین نوع نظام انتخابی از منظر راحل، میتواند مشکل گشا باشد. چون که در این آئینه احزاب سیاسی و افراد در کنار همدیگر میتوانند وارد کارزار انتخابات شوند. البته باید بگویم که این‌ها همه منوط بر شفافیت نظام انتخاباتی بوده، در غیر آنصورت هیچ‌نوع نظام انتخاباتی نمی‌تواند در افغانستان جواب‌گو باشد. همانطوری که نتایج انتخابات‌های قبلی برای ما نشان داده است که جامعه ملی و بین‌المللی در رابطه به انتخابات افغانستان خسته شده اند.

سخنران دوم: آقای سلطان احمد آریا استاد دانشگاه

موضوع: حزبی شدن نظام انتخاباتی افغانستان

امروزه احزاب سیاسی جهان در قوت بخشی نظام‌های سیاسی سهم بزرگی را بخود اختصاص داده اند. و در افغانستان هم این موضوع در گفتمان سیاسی وارد شده است که احزاب سیاسی رای غیر قابل انتقال و رای قابل انتقال را به رای تناسبی تبدیل نمایند. من در این جا بحث را می‌خواهم در حوزه مقایسه‌وی میان نظام انتخاباتی رای منفرد غیر قابل انتقال و نظام انتخاباتی تناسبی که اختصاص احزاب می‌باشد، دنبال نمایم. بدین اساس تطبیق و مقایسه این دو نظام نشان خواهد داد که ما در افغانستان نیازمند کدام نظام انتخاباتی می‌باشیم. اما قبل از آن باید یادآور شوم که من وارد این نخواهم شد که شرایط و جایگاه احزاب سیاسی در افغانستان در کجا و چگونه است. و همچنان اینکه نظام تناسبی از درون خود چه مشکلاتی را ببار خواهد آورد. بر این اساس موضاعتی که باید روی آنها پیرامون این مبحث اشاره شود بدین ترتیب می‌باشد.

۱- رابطه دیموکراسی با احزاب سیاسی، ۲- رابطه احزاب سیاسی با نظام‌های انتخاباتی، ۳- چند و چون نظام انتخاباتی افغانستان، ۴- رابطه مقایسه‌وی میان نظام انتخاباتی رای غیر قابل انتقال و نظام انتخاباتی تناسبی.

از آنجایی که احزاب سیاسی به عنوان کنش‌گران عرصه سیاست، مرکز ثقل واحد‌های سیاسی در نظام‌های دیموکراتیک هستند. در تعریف ساحت احزاب سیاسی مبتنی بر نظام دیموکراتیک، احزاب سیاسی را پایه‌ها و ستون فقرات نظام دیموکراتیک گفته اند. و حتی برخی از دانشمندان سیاسی همانند مارکس و بر احزاب سیاسی را فرزندان نظام‌های دیموکراتیک می‌گویند. و خیلی‌ها بر این باورند که در نظام‌های مبتنی بر اصل دیموکراسی اگر احزاب سیاسی نتوانند فعالیت‌های خود را انجام دهند. آن نظام‌ها هیچگاهی نمی‌تواند اصل دیموکراتیک بودن خود را حفظ نماید. بدین معنی رابطه‌ی احزاب سیاسی و نظام‌های دیموکراتیک رابطه‌ی دوسویه دوپهلوی است. و اگر خواسته باشیم که رابطه‌ی ساختاری را بنگریم یک رابطه‌ی داد و سد همانند تن یک درخت و اجزای آن در آن خواهیم دید چون که این احزاب سیاسی هستند که نظام دیموکراسی را آبیاری و شاخساری می‌بخشند. همچنان احزاب سیاسی در مقام عمل نظام دیموکراسی را از یک مفهوم خشک به یک مفهوم ملموس و کاربردی در فضای سیاسی تبدیل می‌نمایند از طرفی هم. در مقابل، نظام دیموکراسی هست که زمینه‌ی زندگی و بالندگی را برای احزاب سیاسی فراهم می‌نماید. در یک عینک عمگرای تاریخی می‌توانیم ادعی نمایم، که نمی‌توانیم در جهان کشوری را دریابیم که بدون موجودیت احزاب سیاسی به بالندگی سیاسی و به دیموکراسی واقعی دست‌یافته باشد. این اداعی بر کشورهای که از نظام نسبی نسبت به کشور‌های که از نظام حزبی استفاده می‌کنند و همچنان بر کشور‌های که از نظام اکثریتی نسبت به کشور‌های که از نظام تناسبی استفاده می‌کنند، معلوم است.

دومین مبحث از حزبی شدن نظام‌های انتخاباتی همانا رابطه نظام‌های انتخاباتی با احزاب سیاسی است. بر همه‌گان هویدا است که نظام‌های انتخاباتی می‌تواند دو پیامد را داشته باشد. اول: پیامد سیاسی نظام‌های انتخاباتی که بر مردم است. و آن پیامدها اینست که چه کسی ضعیف و یا نماینده‌ی مردم می‌شود. و دوم: بحث تاثیر انتخابات بر احزاب سیاسی می‌باشد. به عنوان مثال می‌توانیم بر تاثیرات پس از انتخاباتی که از طریق نظام اکثریتی برگزار می‌شود بگویم که تاثیر آن ایجاد یک نظام انتخاباتی دو حزبی می‌باشد. و یا اگر نظام تناسبی و یا مختلط را در نظر بگیریم می‌تواند نظام حزبی چند حزبی را بیافریند. و مشخصا اگر کشور‌های جهان را بنگریم می‌توانیم بر نظام‌های انتخاباتی ایالات متحده آمریکا، انگلستان، هندوستان و پاکستان این پیامد را دریابیم. که با استفاده از نظام انتخاباتی تناسبی چندین حزب را بوجود آورده اند که هرکدام از احزاب می‌توانند در انتخابات شرکت نموده و در قدرت سهیم باشند. از یک سوی دیگر این نظام‌های انتخاباتی هستند که در کنار فضای سیاسی کشور بر قشرها و مشارکت سیاسی قشرهای موجود تاثیرگذار باشند. به عنوان مثال نظام انتخاباتی رای منفرد غیر قابل انتقال که ما در افغانستان استفاده می‌نمایم شاید یکی از بدترین نظام‌های انتخاباتی جهان برای فعالیت سیاسی و مشارکت احزاب باشد. و نظام انتخاباتی تناسبی که دیگر کشور‌های استفاده می‌شود

شاید یکی از بهترین بسترهای مشارکت سیاسی احزاب در جهان باشد. در اینجا می‌خواهم در معرفی مختصر نظام انتخاباتی رای منفرد غیر قابل انتقال^۱ که در افغانستان است بپردازم. این نظام که به عنوان شیوه رای واحد غیر قابل انتقال هم می‌گویند بجز از افغانستان و شاید یک دو کشور دیگر هم استفاده نماید در تمام کشور های دیگر از آن استفاده نمی‌نمایند. این در حالیست که در سال ۲۰۰۵ در زمان حکومت‌داری آقای کرزی سازمان بین‌المللی جهانی در رابطه به عدم مشارکت سیاسی احزاب در افغانستان ابراز نگرانی کرده اند، اما با دلایل مختلف حکومت وقت شیوهی نظام تناسبی را برای مردم افغانستان اصلح نشمرده و رد نموده اند. در این قسمت باید نکاتی را که در باره‌ی نظام انتخاباتی رای منفرد غیر قابل انتقال در افغانستان است برای شما برمی‌شمرم. ۱ این نظام مانع مشارکت سیاسی احزاب سیاسی در انتخابات می‌شود. نظام انتخاباتی رای منفرد غیر قابل انتقال بگونه‌ی نظام واحدها می‌باشد و در آن همکاری که یکی از اصل های نظام انتخاباتی تناسبی است موجود نیست. بدمعنی افراد بطور مستقلانه وارد کارزار های انتخاباتی شده و به کرسی‌های قدرت تکیه می‌نمایند. ۳ هدر رفتن رای مردم در نظام انتخاباتی رای منفرد غیر قابل انتقال است. بدین معنی تجربه برای ما ملت افغانستان نشان داده که با توجه به نظام انتخاباتی رای منفرد غیر قابل انتقال در انتخابات های ۲۰۰۵ بیش از ۶۸ درصد رای مردم به هدر رفته است. نکته‌ی دیگر که در نظام انتخاباتی رای منفرد غیر قابل انتقال وجود ندارد بحث عدم نظارت و پاسخگویی می‌باشد. و همچنان از نکات عمده این نظام پررنگ نمودن نقش قومیت نسبت به قانونیت است که در نظام انتخاباتی رای منفرد غیر قابل انتقال بیشتر دیده شده است.

سخنران سوم: بانو فاطمه جعفری عضو شورای ولایتی

موضوع: انتخابات فرصت‌ها و چالش‌ها

در نخست توجه شما را جلب مینمایم به ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر که در آنجا ذکر یافته است (هر کسی حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود خواه مستقیم و یا انتخاب آزادانه، شرکت کند و نمایندگان خود را انتخاب کند. هر کس حق دارد که با تساوی شرایط به مشاغل عمومی نایل آید و اساس و متشا حکومت اراده مردم است و این اراده به وسیله انتخابات باید تمثیل پیدا نماید.) و نهایت اگر سیاست را مبارزه سیاسی برای بدست آوردن کسب قدرت در نظر بگیریم . این تعریف را قبول می‌نمایم. که انتخابات یکی از آن سازو کارهای است که در واقع شرایط را در اختیار عموم مردم قرار داده تا آنها بتوانند از یک راه معقول و مشروع و منطقی اراده خود را به جامعه نشان داده و تمثیل بنمایند. از یک دیدگاه دیگر نقش و یا تعریف انتخابات عبارت از تقسیم قدرت به صورت مشروع. اما عادلانه بودن و نبودن انتخابات را در اینجا بحث نمی‌کنیم چرا که در مواردی دیده می‌شود که عادلانه بودن انتخابات به چالش می‌کشد. این نکته تنها در افغانستان به عنوان یک واحد سیاسی نیست که بحث عادلانه بودن را چالش میکشد، بل از کشور به عظمت ایالات متحده آمریکا هم این اصل پرسش برانگیز است. این در حالی است که در انتخابات بیشتر از اینکه شخص شایسته انتخاب شود. باید برکناری شخص ناشایسته را که توسط مردم انتخاب شده است ؛ تضمین نماید. یعنی بیشترین توجه که در انتخابات و میکانیزمی که طراحی شده است یک بخش آن عبارت از میکانیزمی است که مردم خود را در آن پیدا نمایند، ولی بخش‌های دیگر و مهم آن تضمین انتقال قدرت از یک شخص ناشایسته به یک شخص شایسته که از هر راه ممکن و ناممکن به قدرت رسیده است می‌باشد. همچنان در انتخابات؛ انتخاب یک فرد شایسته و متخصص هم لازم نیست . بلکه انتخابات این پیش شرط لازمه را باید داشته باشد که در یک جامعه ما بتوانیم یک وفاق اجتماعی و ملی را توسط آن ببار آورده و تقویت نماییم. نگاه دیگر

1: Single Non-Transferable Vote (SNTV)

برای انتخابات ساز و کار مدیریتی انتخابات می‌باشد. یعنی اینکه انتخابات به عنوان یک کنش سیاسی جمعی توانایی مدیریت اجتماعی را هم با خود دارد که یک اجتماع بزرگ را در کنار هم برای بدست آوردن یک هدف واحد مدیریت نماید و اراده مردم را در پرتو یک اساس سیاسی سوق دهد. در اینجا می‌خواهم یک نگاه بدبینانه هم از انتخابات‌های کشورها و دیگر نقاط جهان با توجه بر اینکه همه کشور های اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های شهروندی را پذیرفته اند، بیان نمایم. مثلاً در حوزه کشور های منطقه و یا افغانستان چالشهای پس از انتخابات خود نوعی اصل انتخابات و مدیریتی اجتماعی را زیر سوال می‌برد بدین لحاظ که مجموعه های بزرگی از از انتخابات چون جوانان، اقلیت‌ها و زندانیان باز میمانند. و در نگاه دیگر این انتخابات‌ها در واقع تمثیل کننده اصل هستند نه تبیین کننده موجودیت یک روش نظام مند مدیریتی. بدین معنی که انتخابات‌ها به نوعی نشانه‌ی هستند برای ادای شکل این کلیت معنی را بیرون می‌نمایند. و اصل فرصت را به اصل تهدیدات اجتماعی تبدیل مینمایند.

و اما در افغانستان! کشوری پس از بحران که در آن فرصتها زیادتری بوجود آمد است. از این لحاظ که یک خانم هستم اجازه دهید اول فرصت‌های که برای زنان فراهم آمد برایتان بیان نمایم. در قانون اساسی افغانستان در مورد زنان تصمیم گرفته شده و نهایتاً حق زنان به رسمیت گرفته شده است. و همچنان برای مشارکت سیاسی زنان یک سهمیه هم داده شده است. بدین لحاظ یک دیدگاه مثبتی را ببار خواهد آورد. و این خود یک نکته‌ی مثبتی است که برای زنان داده شده است. در غیر اینصورت در کشوری مثل افغانستان راه‌یابی زنان به کرسی های نمایندگی در مجلس و شوراهای ولایتی غیرممکن بود. یکی دیگر از فرصتهای که می‌شود بر آن دیدگاه خوش‌بینانه داشت و به عنوان یک فرصت تلقی نمود، حضور اقلیت های قومی و مذهبی است که در قانون اساسی و قوانین دیگر دیده می‌شود. حضور اهل هندباوران و نماینده کوچی ها خود یکی از ادعی های این مورد است. هرچند که در افغانستان این مورد به گونه‌های مشکلات خود را هم دارا می‌باشد. یکی دیگر از فرصتهای که برای انتخابات باید یادآوری شود عمومی بودن انتخابات است که در تمامی ولایات افغانستان برگزار میشود. همچنان توشیح قانون انتخابات یکی دیگر از دست آورد های انتخابات افغانستان و به‌عنوان یک فرصت میتواند تلقی شود. در کنار همه این فرصت‌ها نگاه دیگر ما باید به چالش‌های فرار روی انتخابات باشد که دیدگاه مان را به دریچه‌ی دیگر دعوت می‌کند. اینک هر یک از این چالشها را برمی‌شمریم.

اول: یکی از اساسی‌ترین چالشهای فرار روی انتخابات عدم امنیت کافی است. ای چالش عمومیت انتخابات را بصورت جدی زیر سوال برده است. در واقع از همان ۷۳۰۰ مرکزی ثبت نام رای دهندگان که طبق برنامه‌ی عمل باید گشایش می‌یافت ۱۰۰۰ مرکز قطعاً گشایش نیافت و باقی مراکز هم تا زمانی که باید باز می‌بود فعالیت نداشته اند. بدین صورت ناامنی عمومیت انتخابات را بصورتی زیر سوال برده است.

دوم: متاثر بودن زنان از مشکلات امنیتی به دلایل ناامنی در مناطق مختلف از ولسوالی ها و دیگر نقاط شهری، به عنوان مثال در شورای ولسوالی ها زنان در بعضی از ولسوالی ها سهمیه که برای شورای ولسوالی ها برای بود نتوانستند به دست بیاورند و خود را به عنوان نماینده شورای ولسوالی ها کاندید نمایند.

سوم: مورد سومی که مصداق چالش فرار روی انتخابات می‌باشد بحث تعجیل در توشیح انتخابات است. در توشیح قانون انتخابات افغانستان می‌توانیم دیدگاه های بیرونی و نفوضی را از منظر فشار ببینیم و این درحالیست که امروزه از این قانون در تمامی انتخابات های افغانستان استفاده می‌نمایم

چهارم: آزادی انتخابات یکی از مصداق های بارز یک انتخابات شفاف است. اما در افغانستان یکی از چالشهای بزرگ کاندیدا شدن افراد زورمند، جنایتکاران جنگی، مافیایی موادمخدر و غیره کسانی که به دلایل مختلف شایسته‌گی کاندیدا شدن را ندارند است. این افراد می‌توانند در انتخابات شرکت نموده و با استفاده از راه‌های نفوذی حتی را پارلمان راه‌یابند. در گذشته ثابت شده است که به دلایل مختلفی که در فضای سیاسی، فرهنگی و همچنان فسادهای گسترده‌ی که در کمیسیون های انتخابات موجود است. افرادی

که به جرایم مختلفی مضمون می‌باشند در انتخابات شرکت کرده، کرسی‌های نمایندگی را اهراز نموده و بیشتر از اینکه از منافع مردم نماینده‌گی نمایند، راه بسوی سودمندی و زراندوزی شخصی خود باز مینمایند.

و به عنوان نکته پایان بر چالشهای فرار روی انتخابات میتوان بر سه عنصر قومی، مذهبی و سیاسی به عنوان عناصر تاثیرگذار روی روند مدیریت انتخابات از دیداد بخشید. ساختار قبیله‌وی، فقر فرهنگی، اثرگذاری قدرت و ثروت و دخالت دولت، عناصر دیگر هستند که روی میزان مشارکت سیاسی، ذهنیت مردم و بالاخره فرایند یک انتخابات تاثیر دارند.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

پرسش‌ها از آقای محمد میرویس فضلی

- 1 - علت بی‌باوری مردم نسبت به انتخابات چه می‌باشد؟
- 2 - مانع تغییر نظام انتخاباتی در افغانستان چه بوده است؟ آیا زمینه‌ها و یا بستر اجتماعی و فرهنگی در افغانستان فراهم نبوده است و یا اینکه این مسئله از دیدگاه سیاسی و قومی مطرح است؟

پاسخ

۱- در کشور های پس از بحران که کشور ها پا در عرصه نظام‌های دیموکراتیک میگذارند در نخست باید شرایط بحران مدیریت گردیده و با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی مردم کشور باید از وضعیت بحران بیرون رانده شود. بصورت مشخص اگر بگویم، در افغانستان ابتدا پس از سال ۲۰۰۱ و کنفرانس بن نظام انتخاباتی اکثریتی می‌توانست پاسخ‌گو وضع باشد و اما اینکه بعدا چرا این نظام تغییر ننمود، دلایل مختلف دیگری دارد. دلیل اول عدم به قدرت رسیدن چهره‌های که متمایل به قدرت بوده اند است. و تغییر نظام انتخاباتی یکی از ابزار های مختلفه به قدرت رسیدن رقیبان سیاسی قدرت‌مداران بود. نکته دوم تغییر نیافتن نظام‌های انتخاباتی، بحث سمتی، مذهبی و قومی بودن احزاب سیاسی است. و امکان افزایش تنش‌های جهت بدست آوردن قدرت میان احزاب موجود بود. همچنان در یگ نگاه منطقه‌ی و بازی های منطقه‌ی کشور های بیرونی و آمریکایی‌ها می‌خواهند شرایطی در افغانستان داشته باشند که در معادلات سیاسی داخلی افغانستان دست بازی داشته باشند. و در قسمت علت بی‌باوری مردم افغانستان نسبت به انتخابات باید گفت که، عدم شفافیت و عدم باور کامل مردم افغانستان نسبت کارگزاران انتخابات بخصوص کمیسیون مستقل افغانستان، مردم را از باورمندی کامل بسوی ناباوری به انتخابات سوق داده است. این عامل در کنار عوامل متعدد دیگری چون ناامنی، فقر، بیکاری و دیگر موارد که میتواند در مشارکت سیاسی مردم در انتخابات تاثیر داشته باشد.

پرسش: از بانو فاطمه جعفری

با توجه به اینکه احزاب در افغانستان عمدتا ساختار قومی دارند، ما چگونه میتوانیم از راه پیشبرد نظام انتخاباتی نسبی عنصر قومیت‌گرایی را در انتخابات کاهش بدهید؟

پاسخ: من میخواهم عرض نمایم که خیلی از احزاب سیاسی کشور ما ملی نه بلکه فراملی و منطقه‌ی فعالیت دارند و در مدیریت برنامه‌های‌شان کشور های بیرونی دست دارند. در این خصوص باید گفت که در کشور های دیگر هم این چنین مشکلاتی وجود داشته است اما احزاب توانسته اند که با روی کرد با گفتگو و مذاکرات تغییر را بوجود بیاورند. در افغانستان هم باید احزاب در فعالیت های خود یک نگرش فراقومی را ایجاد نموده و تلاش نمایند تا افراد و شهروندان فکر قومی و مذهبی را کنار گذاشته و فکر حزبی را نسبت به فکر مذهبی و قومی ارجعیت بدهند.

نشست کاری دوم: رسانه‌ها، اجتماع و انتخابات



نشست کاری دوم: رسانه‌ها، اجتماع و انتخابات

گرداننده: بانو بهاره عمرانی

سخنرانان

- علی الله آزاد استاد دانشگاه هرات
- احمد فواد احمدی مسئول تلویزیون آریانا هرات و استاد دانشگاه
- بانو الهه بنایی استاد دانشگاه

سخنران اول: علی الله آزاد استاد دانشگاه هرات

موضوع: بررسی رویکرد جوانان در انتخابات پارلمانی

جامعه‌شناسان و کارشناسان پدیده‌های اجتماعی بدین باور هستند، که یک مولفه یا یک شاخص تعیین کننده جهت و مسیر یک پدیده در اجتماع نمی‌باشد. مطمئناً شرایطی از عللها و رفتارها دست به دست هم داده و نتیجه‌ی یک پدیده‌ی اجتماعی را رقم می‌زنند. در اینجا کوشش من بر این است تا نتایج تحقیقی را که پیرامون مشارکت و یا عدم مشارکت جوانان بر انتخابات است را

برایتان بیان نماییم. در این تحقیق من نتایج را بگونه‌ی واضح نه قطعی برایتان بیان خواهم کرد. این تحقیق نشان دهنده آنست که چند ترکیب از شرایط و علل هستند که اگر محقق شوند و یا نشود نتیجه را بیان خواهند کرد. باید در اینجا روی چند جنبه اشاره نمایم.

اول: ترکیب نخست علل مربوط به کمیسیون انتخابات را نشان میدهد. در این ترکیب سه متغیر قرار گرفته است، که این سه متغیر در حقیقت بر مشارکت جوانان در انتخابات از دریچه‌ی کمیسیون اثر میگذارد. طبق این ترکیب اگر اطمینان مردم از شمارش رای مردم در کمیسیون انتخابات وجود داشته باشد. همچنان استقلالیت خود را حفظ و عملاً ثابت کند. جوانان در این زمینه جنبه مشارکت خود را انتخاب می‌کنند. و اگر عکس این قضیه صورت به‌عمل‌آید یعنی مردم از شمارش آرا و استقلالیت کمیسیون اطمینان نداشته باشند. مردم در عدم مشارکت پیشتر تمایل دارند.

دوم: ترکیب دوم متوجه‌ی نامزدان انتخابات می‌شود. و در این جا سه متغیر بررسی شده است. این سه متغیر از میان مجموعه‌ی از متغیرها بیان‌کننده‌ی وضع می‌باشند. اول. اگر نامزدان صداقت و جنبه مردمی بودن شان را اثبات نموده و بر اعتماد مردمی را به‌جای حمایت خارجی‌ها ترجیح بدهند. در این صورت اگر این سه متغیر در یک ترکیب قرار داشته باشند. جوانان جنبه مشارکت را بر عدم مشارکت ترجیح میدهند. و اگر عکس این سه متغیر ثابت شود، جوانان جنبه‌ی عدم مشارکت را انتخاب خواهند کرد.

سوم: ترکیب سوم مربوط به دولت است، که متشکل از چهار متغیر می‌باشد. تامین امنیت، کاهش بیکاری، عدم دخالت در امور کمیسیون انتخابات و همچنان جلوگیری از دخالت کشورهای بیرونی فکتورهای این متغیرهای هستند. که با وجود تامین گونه‌ی مثبت این متغیرها، جوانان بر مشارکت در انتخابات سوق پیدا خواهند کرد. و اگر برعکس این قضیه ثابت شود جوانان بر عدم مشارکت رفتار و کنش انتخاب می‌نمایند. دارند.

چهارم: ترکیب مردم و جوانان. در اینجا سه متغیر در کنار هم قرار گرفته است. کمتر دامن زدن قومگرایی و منطقه‌گرایی، افزایش سواد سیاسی و نهایتاً شعور اجتماعی و منطق‌های سیاسی میتواند در مشارکت و عدم مشاکت مردم به خصوص جوانان تاثیر گذارباشند. بدین لحاظ تمامی این ترکیب‌ها تاثیرات خود را بالای مشارکت‌سیاسی جوانان در پروسه‌های ملی می‌گذارند. چون که جوانان امروز ما از جوانان یک دهه‌ی قبل فرق داشته و از دوران نزدیکی به جنگ‌ها دورتر هستند.

سخنران دوم: احمد فواد احمدی

موضوع: رسانه‌ها و پروسه انتخابات

در نخست باید یادآوری نمایم که در اینجا کوشش برآن شده است تا نقش رسانه‌ها را پس از دوران طالبان بررسی شود. تا اینکه نقاط قوت و ضعف مسئله را بطور مساویانه تفکیک شود. در مبحث خوبی‌ها یا قوت‌های مسئله رسانه‌ها باید به نکات ذیل اشاره شود. ۱ رسانه‌ها به عنوان یکی از راه‌های ارتباط مردم و دولت‌ها، در جامعه‌ی افغانستان و سیاست جدید پس از طالبان؛ رسانه‌ها توانسته‌اند که برای جامعه‌ی افغانستان، مفاهیمی چون دموکراسی، آزادی بیان و مردم سالاری را تبیین نموده و در قسمت جهت‌دهی ذهنیت‌های مردم بسوی یک جامعه دموکراتیک ابزار قرار گیرند.

۲ پس از سال ۲۰۰۱ که افغانستان دوران حکومت‌داری جدید خویش را آغاز نموده الی سال ۲۰۱۳ در افغانستان در حدود ۲۰۰۰ رسانه‌ی چاپی، صوتی و تصویری ثبت و کار نموده است. و از آنجایی که رسانه‌های بصورت کلی نقش آگهی دهی را تمثیل مینماید.

در همه‌ی انتخابات‌های گذشته، رسانه‌ها توانسته‌اند که سهم و مشارکت مردم را اطلاع‌رسانی نموده و در قسمت بزرگ جلوه دادن مشارکت سیاسی مردم و اشتراک در انتخابات سهم فعال و چشم‌گیری داشته‌اند.

۳ یکی دیگر از نقاط بارزی که رسانه‌ها توانسته‌اند تبیین نمایند. بسیج عمومی مردم بسوی انتخابات‌های قبلی بوده است. رسانه‌های در کنار کمیسیون انتخابات نقش عمومیت بخشی، تسهیل‌کننده ذهنیت جمعی و هدایت‌دهنده مردم بسوی یک فردای دیموکراتیک بوده‌اند. این درحالی است که به علت سمتی، حزبی و اقتصادی بودن بعضی از رسانه‌ها در سطح ملی این نقش بخوبی توانسته‌اند بر عکس قضیه هم فعالیت نمایند و مردم را بصورت محتاطانه از رفتن به انتخابات نقش بازدرند داشته باشند.

و در قسمت تقاطع ضعف در رسانه‌ها به چنین نکاتی برخواهیم خورد. اول. رسانه‌ها به عنوان آگاهی‌دهندگان روند حکومت‌داری در افغانستان از مشکلاتی چون استبداد نظام‌های حکومتی در افغانستان، تمرکزگرایی فعالیت‌های رسانه‌ها در محدوده‌ی شهرها و عدم تطبیق قوانین رسانه‌های از طرف رسانه‌ها دچار هستند. که در قسمت تمرکزگرایی باید گفت که به علت نبود امنیت در اطراف شهرها رسانه‌ها نمی‌توانند بصورت آشکار از روند انتخابات را در ولسوالی‌ها و شهرهای کوچک پوشش بدهند. و این درحالیست که مقدار رای‌ها در شهرها نسبت به اطراف کمتر دیده شده است. بدین معنی زمینه‌های فساد از دریچه رسانه‌ها باز مانده و پوشش نخواهند یافت. یکی دیگر از نقاط قابل بحث در زمینه‌ی نقش رسانه‌ها در انتخابات همان مسئله‌ی تبلیغات سو علیه انتخابات است. رسانه‌های جبهه‌های مخالف نظام با استفاده از رسانه‌های دست‌داشته خود روند انتخابات را مدیریت اجتماعی نموده و ذهنیت‌های عامه را علیه نظام مدیریت و آماده می‌سازند. عمدتاً تبلیغات این رسانه‌ها بر اساس منافع افرادی که در راس قرار دارند بروز و همگانی می‌شود. همچنان در قسمت نقاط قابل عطفی که رسانه‌ها با آن سردچار اند، نبود و یا کمبود کادر و تحلیلگر اجتماعی می‌باشد. که این از سوی رسانه‌ها و مردم بصورت دو پهلو توانسته عمل نماید. به عنوان مثال در بعضی از رسانه‌ها اشخاصی که برای تجلیل مسائل دعوت می‌شوند. موضوع را بصورت آگاهانه و یا ناآگاهانه خلاف موازین رسانه‌ی و قوانین نافذ مطرح نموده و مسئله از جهت تحلیل، به بحران تحلیل خواهند برد. و در مقابل دیده می‌شود که در بعضی از رسانه‌ها اشخاصی که دعوت می‌شوند موارد بسیار بزرگی را در مورد انتخابات چشم‌پوشی نموده و موضوع را دیدهمه‌گان دور می‌سازند. و در اخیر هم می‌توانیم بر موضوع اقتصادی بودن رسانه‌ها که خود یکی از بزرگترین مشکلاتی که رسانه‌های را از نقش یک رسانه‌دور می‌سازد اشاره نمایم. بعضی از رسانه‌ها در افغانستان به در قالب شرکت‌های تجارتي کار و فعالیت و نموده و صرفاً جنبه تجارتي و تبلیغاتی مسئله را ترویج میدهد. که این خود یکی عامل فساد در روند انتخابات با توجه به تبلیغات سوی که علیه تمامی جنبه‌ها می‌شود می‌گردد.

سخنران سوم: خانم الهه بنایی فعال حقوق زنان

موضوع: مشارکت زنان در انتخابات

در مورد نقش بانوان در انتخابات موضوعات فراوانی است که می‌شود به هر یک از آنها جداگانه پرداخت. در اولین قدم ورود به بحث می‌توانیم از حقوق فرهنگی و اجتماعی خانم‌ها یادآوری کنیم. چون که تا زمانی که این دو حق تحقق پیدا نکنند، مشخصاً حقوق سیاسی بانوان هم تحقق پیدا نخواهد کرد. ما در اینجا به پرسشی روبرو خواهیم شد که آیا درک واقعی از مسئله مردم‌سالاری در میان بانوان وجود دارد یا خیر؟ در مورد خانم‌ها بطور حتم و مشخصاً با توجه بر اینکه میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی بانوان کمتر است، باید گفت: در صورتی که آموزش سیاسی و آگاهی‌دهی از روند مردم‌سالاری در میان بانوان وجود نداشته باشد. رای واقعی بانوان از تاثیر کمتری برخوردار است. هرچند قوانین ملی و پالیسی‌های بین‌المللی در این مورد تاکیدات زیادی داشته است. که از آن جمله می‌توانیم بر پلان کاری ملی توأمندسازی بانوان اشاره کنیم. در سومین مبحث از مشارکت سیاسی زنان چشم‌مان بر تاثیر

رای بر رای می‌افتد. که زنان افغانستان به توجه به مشارکت نسبی که در تمامی محلات و مراکز رای‌دهی دارند. رای شان تحت تاثیر رای مردان خانواده و یا شوهر شان قرار دارد. بدین معنی که خانم‌ها رای‌شان در مقابل فرایش و انتخاب مردان است. وبه عنوان یک فرهنگ پذیرفته شده در فرهنگ سیاسی مردم و جامعه ما وجود دارد. در یکی از موضوعاتی که باید پرداخته شود، شگاف فرهنگی و رابطه میان وکیل موکل خانم است. تا جای که سطحی ترین روابطه هم میان موکل زن و وکیل آقا و یا بانو بصورت مستقیم پیدا نخواهد شد. این در حالی‌ست که زنان نیم‌ی از رای مستقیم‌شان در ساختار نظام و روند دموکراتیک شدن جامعه استفاده می‌شود. با توجه به تمامی چالش‌های که بصورت زنجیره‌ی مشارکت بانوان را به کندی مواجه می‌سازد. نگاه دیگر ما به فرصت‌ها هم می‌افتد. که در اینجا می‌شود از هریک‌شان یادآوری کنیم. در افغانستان پس از جنگ، بانوان در آئینه، سیاست به عنوان اولین زنانی هستند که از لاک سیاست مردسالاری بیرون شده و سهم شان طبق قوانین حفظ و معین گردیده است. اینکه این فرصت میتواند تجربه‌ی خوبی برای تمامی بانوان افغانستان با توجه به به سهم و مشارکت شان واقع شود. در کنار تجربه‌ی مشارکت در انتخابات سهم بارز رای مساوی و کاندید شدن خود یکی از نکات در خور و توجهی برای مشارکت سیاسی زنان است. زنان به عنوان نیمه‌ی پیکره آسیب دیده‌ی جامعه فرهنگی و سیاسی افغانستان می‌توانند از حق رای و کاندیدای به صورت خوبی استفاده نموده، بر تجربه، تحقق مردم سالاری و ساختن یک جامعه‌ی دموکراتیک بیافزایند. این درحالی است که بانوان در تمامی بخش‌های دیگر حکومتداری در بدنه‌ی نظام بصورت آزادانه و با داشتن امتیازات مثبت کار و فعالیت می‌نمایند.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

پرسش از آقای فواد احمدی.

سوال اول: در نخست تا زمانی که ما جایگاه رسانه‌ها را در سیاست و دیپلماسی فرهنگی افغانستان تعریف نکنیم، چگونه میتوانیم از تاثیر رسانه‌ها در انتخابات صحبت نمایم؟ همچنان با توجه بر اینکه رسانه‌ها در افغانستان بیشتر جنبه‌ی تجارتي دارند. آیا تاثیری بر روند مشارکت سیاسی مردم افغانستان دارند؟

پاسخ: در مورد دیدگاه اقتصادی رسانه‌های باید گفت که متأسفانه در افغانستان رسانه‌ها تا زمانی که یک برنامه مفاد اقتصادی در پی نداشته باشد. رسالت خود را عملی و اجرا نمی‌نمایند، و این‌که چرا رسالت خود را در مقابل قضایا عملی نمی‌کنند. عوامل مختلفی دارد. ۱ اینکه برای تولید برنامه امکانات کافی ندارد، و بجای این‌که نیروی فکری داخلی بکار بگمارند در خریداری برنامه‌های بیرونی اکتفا نموده و آن‌را تبدیل به یک برنامه‌ی داخلی می‌نمایند. هرچند که پخش همان برنامه‌ی که از کشورهای بیرونی خریداری گردیده در همان کشور هم اجازه بخش و نشر ندارد. و دوم اینکه چرا ظریف سازی و آگاهی دهی از روند مشارکت مردم نمی‌شود در این خصوص می‌شود از چند نگاه و یا دریچه دید. اول اینکه بعضی از رسانه‌ها نمی‌دانند که پروسه انتخابات یک پروسه ملی است. دوم اینکه دولت به عنوان اصلی‌ترین چهره با بعضی از رسانه‌ها قرار دادهای ملیونی را منعقد میکند. و دیگر رسانه‌ها را از عینک دیگری می‌بیند. بدین‌صورت است که رسانه‌های دیگر هم در مقابل، خود را ملزم به همکاری با دولت و همچنان در مقابل رسالت خود مسئول نمی‌بینند.

پرسش از آقای علی الله آزاد

پرسش: باتوجه به اینکه ۶۵ درصد از نیروی فعال اجتماع افغانستان را جوانان تشکیل می‌دهند، و از طرفی دیگر هم متغییر های که شما مطرح نموده اید متکلی به برگزاری انتخابات می‌باشد. همچنان در نگاهی دیگر ما نمی‌توانیم که بدون حضور جوانان انتخابات را برگزار کنیم. بدین صورت مدل متغییر های شما، راه را برای یک فردا نشان نمی‌دهد، پاسخ شما چیست؟

پاسخ: بدون شک که جوانان در انتخابات شرکت خواهند نمود. اما راه حل این است که هر کدام از این ترکیب‌های که بر مبنای تحقیق نشان‌دهنده‌ی یک وضعیت منفی هستند، آنها را از چالش به فرصت تبدیل نماییم. بدین لحاظ اگر وجود فساد در اوراق رای دهی یک چالش است. می‌توانیم با تنظیم و ترتیب یک مکانیزم خاص و جامع این چالش را تبدیل به فرصت نماییم. اما بصورت کلی در همه‌ی این موارد می‌توانیم یک شاه‌ترکیب و یا ترکیب کلی را در نظر داشته باشیم. بدین صورت در تمامی بخش‌های این متغیرها حالت مثبت را به نمایش خواهیم گذاشت.

نشست کاری سوم: آسیب‌شناسی کاندیدان، پارلمان و نمایندگان مردم



نشست کاری سوم: آسیب‌شناسی انتخابات و کاندیدان

گرداننده: وحید مرزبان کارمند ریاست ارتباط و امور خارجه ولایت هرات

سخنرانان

- زلمی مالیار استاد دانشگاه هرات
- محمد نصیر دولتی آمر دارالنشا کمیسیون شکایات انتخاباتی در هرات
- عبدالقیوم افغان رئیس کار و امور اجتماعی ولایت هرات

موضوع: آسیب شناسی مستقل بودن کاندیدان انتخابات و عدم کارایی احزاب سیاسی

این بحث را کوشش میکنم از دیدگاه آسیب شناسانه آغاز نمایم. اجازه دهید در نخست اشاره کنم به تمایل دولت‌های قبلی و حال افغانستان به عنوان پایگاه و یا مجرای سیاست‌ورزی افغانستان. پس از فروپاشی نظام حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، احزاب مقابله کننده‌ی آن دوران شکل معیاری حزب را شکستنده و ساختار تنظیمی را بخود اختصاص داده است. ولی با رویکار آمدن دولت موقت و ایجاد قانون اساسی افغانستان، احزاب نه به آنصورت قبلی بلکه با یک رویکرد ضعیف‌تر وارد عرصه‌ی سیاست افغانستان شده‌اند. اما، در سیاست آقای کرزی به عنوان مرکزی‌ترین شخص سیاست افغانستان هیچ نوع تمایلی برای فعالیت احزاب در افغانستان وجود نداشت. همچنان امروزه دولت افغانستان و جامعه جهانی اعلام می‌نمایند که در افغانستان هیچ تمایلی بنا بر فعالیت گسترده‌ی احزاب سیاسی وجود ندارد. در اینجا پرسشی به میان می‌آید که اگر احزاب وجود نداشته باشد، آیا ما میتوانیم که مشارکت سیاسی گسترده‌ی داشته باشیم؟ چون در تمامی کشور های دموکراتیک احزاب هستند که جریان های بزرگ سیاسی را شکل داده و همچنان در قسمت برنامه‌ها و پالیسی‌ها این احزاب هستند که در راه و رسم سیاست دولت‌های دیموکراتیک تاثیر دارند. در اینجا رجوع می‌نمایم به یک تحقیق تحت عنوان و یا سوالی که دلایل اصلی کاندیدان پارلمانی برای حضور مستقل و حزبی چیست؟ در این مدل تحقیق، ابتدا در رابطه میان مستقل بودن کاندیدان و عدم موفقیت احزاب سیاسی با توجه به فرضیه های تعیین شده تحقیق معلوم خواهد شد و سپس بر تجربه‌ی امروزی چند و چون خواهیم داشت. نوعیت سیستم انتخاباتی، عدم توسعه احزاب سیاسی، بی اعتمادی مسئولین به احزاب، نبود اراده قاطع برای رشد و توسعه‌ی احزاب سیاسی برای اشتراک در انتخابات. از دلایل عمده‌ی فرضیه‌های این تحقیق است. بدین اساس این فرضیه‌ها طبق تجربه های قبلی و حال نشان می‌دهد که از مجموعه ۲۶۰۰ نفر تنها ۱۷۷ نفر از آدرس احزاب سیاسی کاندید می‌شوند. و این درحالی‌ست که از احزاب بزرگی که در افغانستان فعالیت دارند ولی به پیمانهای بسیار کمی کاندیدا ارائه میدهند. بدین اساس برمی‌گردیم به این پرسش که چرا دولت، احزاب سیاسی و همچنان کمیسیون به عنوان نهاد های اجرا کننده‌ی روند دیموکراتیک در افغانستان، علاقه‌ی برای اشتراک احزاب در مشارک سیاسی و انتخابات ندارند؟ و از طرفی هم احزاب سیاسی ادعی بر این دارند که چرا دولت از آدرس قوه اجراکننده و تضمین کننده، انتخاباتی شفاف، با سازو کارهای که باید انجام شود. تامین نمی‌کند؟ در این قسمت باید قوت وضع احزاب سیاسی و مشارکت شان در روند انتخابات با توجه با ارائه کاندیدان داشت. ما در افغانستان احزاب سیاسی را به عنوان بلاک‌های قدرت، و با مفاهیمی همسو از قانون اساسی، جامه شناسی سیاسی و غیره مفاهیمی که توان و قدرت احزاب را معلوم و تعیین می‌کنند، حزب را نداریم. و یا اگر هم احزابی را داریم بسیار ضعیف عمل می‌نمایند. ولی در مقابل احزابی بزرگی قومی، منطقه‌ی و جهادی را داریم که مفاهیمی کلیدی یک حزب افغانستان شمول را دارا نمی‌باشد. چون هر یک از این احزاب بر مبنای قدرت فعال هستند و هیچ یک این احزاب به مفهوم آندیولوژی فعالیت ندارد. طبق ماده ۳۵ قانون اساسی افغانستان و به تبع آن ماده ۱۲ قانون احزاب افغانستان حدود فعالیت و صلاحیت‌های احزاب را تعیین می‌نماید و در فقره ششم ماده دوازدهم یکی از صلاحیت‌های احزاب را معرفی می‌نماید. همچنان در فقره ۴ ماده ۱۵ حتی دولت افغانستان را به حمایت مالی احزاب وادار می‌نماید. بدین عنوان یکی از منابع مالی احزاب در جای که حزب نیازمند منابع مالی باشد، دولت است و باید از طرف دولت حمایت مالی صورت گیرد. ولی پس از تشکیل دولت افغانستان پس از طالبان هیچ‌گاهی دولت افغانستان تمایل خاصی برای اجرای این فقره از قانون را نداشته است. همچنان باید یادآور شویم که در کنار این که دپلوماسی سیاسی افغانستان نظر به عدم تمایل فعالیت های سیاسی احزاب دارد. سیستم و نظام حقوقی افغانستان هم تعداد زیادی از رویکردهای پیش‌گیرانه و نامتمایل را برای اشخاص دولتی نسبت به احزاب تعیین میکنند. ما در قوانین‌ی چون قانون اساسی افغانستان، قانون پولیس و منسوبین

امنیت ملی ومقرره طرز سلوک کارکنان خدمات ملکی عمل ماده های را داریم که محدودیت حضور احزاب سیاسی را در دستگاه دولت تعریف می نمایند. به عنوان مثال در ماده ۸۶ قانون اساسی افغانستان از منع فعالیت حزبی رئیس جمهور یاد میکند و یا همچنان در ماده ۱۱۸ قانون اساسی منع عضویت فعالیت حزبی برای وزار را مقرر میکند. با این دیدگاه ما هیچ گاه ی احزاب سیاسی افغانستان شمول و بالنده ی را نخواهیم داشت. از تاثیرات عمده ی این رویکردها می تواند بر آمار مشارکت سیاسی انتخابات ۱۳۹۳ اشاره کرد. آمار نشان میدهد که از مجموعه ۱۱ نفر کاندیدان ریاست جمهوری در انتخابات ۱۳۹۳ فقط ۱ نفر از آدرس حزب کاندید داشته ایم. و همچنان از مجموعه ۲۷۱۶ نفر کاندیدان شوراها ی ولایتی فقط ۲۷۵ نفر کاندیدان احزاب بوده اند، که میانه ی ۱۰ درصد از کاندیدان را به احزاب اختصاص داده بودند. از این رویکرد دو برداشت می توانیم داشته باشیم. یک: کاندیدان شوراها ی ولایتی و ریاست جمهوری علاقمندی کمی برای نمایندگی از احزاب دارند. دوم: افرادی که از طرف احزاب کاندید بوده اند نتوانسته اند رای مردم را بدست آورند. در اینجا سه دسته از دلایل برای کم رنگ شدن احزاب دیده می شود. ۱ دلایل حقوقی: الف نبود حمایت اختصاصی و سهمیه برای احزاب. ۲ موجودیت سیستم رای دهی غیر قابل انتقال ۳ محدودیت فعالیت های احزاب سیاسی برای تبارز احزاب در بین مردم است. همچنان مشکلاتی حقوقی چون نبود خط و مش احزاب، فعالیت جغرافیایی احزاب در یک و یا ولایت از جمله دلایل حقوقی است که در فعالیت احزاب تاثیر دارند. دوم دلایل سیاسی: ۱ نبود تمایل میان رهبران سیاسی جهت رشد احزاب سیاسی ۲ ضعف احزاب سیاسی نوین در نداشتن پایگاه مردمی ۳ عدم تمایل حمایت جامعه ی جهانی بر رشد احزاب سیاسی افغانستان. ۴ نداشتن تجربه سیاسی احزاب سیاسی در بین مردم، تمرکزیت منافع شخصی رهبران حزبی از منافع عمومی حزب. و دلایل دیگری هستند که می تواند در روند فعالیت احزاب تاثیر گذار باشد.

سخنران دوم: محمد نصیر دولتی

موضوع: آسیب شناسی کاندیدان از نظر کمیسیون شکایات انتخاباتی

اجازه دهید قبل از اینکه به بحث وارد شوم اطلاع دهم که پس از تعدیل قانون انتخابات کمیسیون شکایات انتخاباتی بصورت دائمی از بدوجه دولت به فعالیت آغاز نموده است. حالا به نمایندگی از کمیسیون شکایات انتخاباتی نکاتی را از منظر ما آسیب پذیر اند برایتان بیان خواهم نمود. ۱ مسئولیت کمیسیون شکایات انتخاباتی در قبال روند انتخابات و کاندیدان ۲ نبود امنیت حقوقی رای دهندگان و کاندیدان از آغاز پروسه انتخابات الی اعلام نتایج است. ۳ چالش ها و فرصت های فرا روی انتخابات می باشد. جهت تامین عدالت و شفافیت در برگزاری انتخابات، کمیسیون شکایات انتخاباتی در تمامی مراحل از آغاز بروسه ثبت نام رای دهندگان و کاندیدان، مبارزات انتخاباتی، روز انتخابات، شمارش آرا و رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردمی مبنی بر تخطی و تخلف کاندیدان و رای دهندگان طبق قوانین نافذ کشور تلاش خواهد کرد. همچنان در بحث امنیت که یکی از عمدترین چالش های فراروی انتخابات است ما تمامی تلاش ها و کوشش های خود را مبنی بر تامین عدالت و احقاق حقوق شهروندان طبق قوانین بر مبنای ساحه ی صلاحیت خود، انجام خواهیم داد. باید یادآوری کنم که یکی از نقاط آسیب پذیری که در انتخابات افغانستان نسبت به کاندیدان است، همانا دسترسی نداشتن کاندیدان به تمامی نقاط و مراکز رای دهی می باشد. متاسفانه کاندیدان انتخابات در اکثر نقاط بخاطر نبود امنیت نتوانسته اند که کمپاین های انتخاباتی خود را برگزار نمایند. و این از منظر و دیدگاه یکی از بزرگترین آسیب پذیری های اجتماعی کاندیدان و روند انتخابات می باشد. همچنان از دیگر نقاط آسیب پذیر در روند انتخابات چالش های ثبت نام رای دهندگان، مشکلات در روند اخذ تذکره واقعی برای رای دهندگان، توزیع تذکره های جعلی و تقلبی و در اخیر هم عدم درک صحیح کاندیدان از قوانین و لویج انتخاباتی است. کاندیدان محترم با توجه به مشکلاتی که در پروسه های مختلف دارند. از قوانین و مقررات نافذ انتخابات کمتر آگاهی داشته که این خود باعث آسیب پذیری در روند پروسه ی انتخابات می شود. و اما اگر خواسته باشیم در مورد فرصت های انتخاباتی

صحبت نمایم. میتوانیم بر وجود انتخابات برای احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان همچنان وجود و نظارت نهاد های جامعه مدنی و احزاب سیاسی، حمایت جامعه جهانی از پروسه ملی انتخابات افغانستان از نکات براندهی انتخابات افغانستان به شمار می‌رود.

سخنران سوم: عبدالقیوم افغان

موضوع: نقش وکلای مردم هرات در پارلمان

هرات به عنوان یکی از بزرگ‌شهرهای افغانستان در سطح ملی؛ جایگاهی فوق‌العاده ارزشمندی را دارا می‌باشد. نکته‌ی بسیار مهمی که پیرامون هرات قرار دارد همانا رگ اقتصادی هرات است. از همین دیدگاه هرات دایما به عنوان شاه‌رگ اقتصاد افغانستان تلقی شده و می‌شود. همچنان‌ی که هرات به عنوان شاه‌رگ اقتصاد ملی افغانستان است، یکی از دهلیزهای ترانزیتی و بنادری افغانستان نیز به شمار می‌رود. وجود دو بندر به عنوان دو راه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مسیر گفتگوهای سیاسی و اقتصادی را با کشورهای همسایه تامین کرده و در گردش تبادلات فرهنگی، تجاری قابل توجه است. باید یادآور شویم که هرات در طول تاریخ ارزش‌های این دو بندر را به دیگر هموطنان افغانستان عرضه و تقسیم نموده است. همچنان این شهر نه تنها در مسیر اقتصاد و فرهنگ افغانستان حرفی برای گفتن داشته است. بلکه در کنار آن از نظر دیموگرافی یکی از پرنفوس‌ترین شهرهای کشور از منظر رای و مردم‌سالاری به شمار رفته و می‌رود. و اما هرات به تمامی این طول و عرض جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود حد اقل پس از شکل‌گیری دولت جدید و حکومت‌داری نوین افغانستان، کمتر توانسته است که به لحاظ قدرت سیاسی در راس این هرم قدرت قرار گرفته و نقش پررنگ و درخودر شایسته و بایسته‌ی داشته باشد. اجازه دهید از همین جا موضوع اصلی محور بحث خود را که پیرامون نقش وکلای هرات در پارلمان است آغاز نمایم. هرچند برای همه مبرهن است وظیفه‌ی اصلی پارلمان و نمایندگان افغانستان قانون‌گذاری می‌باشد. اما با توجه به تمامی مشکلاتی که در کشور وجود دارد. وکلای مردم در این مجلس با یک رویکرد دیگری از مردم افغانستان نماینده‌گی نموده اند و تنها نماینده‌گی را به حل مشکلات فرا روی مردم که وظیفه‌ی شان نمی‌باشد. اکتفا کرده اند. این سخن از جای آغاز می‌شود که انتخاب افرادی غیر متخصص به نمایندگی نه تنها دردی را مداوا نکرده، بلکه تنی را رجورتر و دردمند تر ساخته است. هیچ‌گاهی صدای مردم به گوش مسئولین نرسیده و دردی از دردمندی این مردم مداوا نشده است. و اگر هم صدای بجای رسیده است، در مقاطع خاص بوده است. حتی هراتیان وکلای هم در پارلمان انتخاب نموده ایم که برای یک مرتبه هم در یک دوره صدای خود را بلند نکرده اند. اما این سخنان را نمی‌توانیم بصورت کل به همه‌ی نمایندگان هرات در مجلس اختصاص دهیم. وجود بعضی از اشخاص توانسته است که به شکل خفیفی مه‌آورده شده از دل این آسمان کبود را برون کشاند. ولی مردم هرات به عنوان شهروندان معتقد به مردم‌سالاری متاسفانه کمتر شاهد هم‌فکری نمایندگان شان در پارلمان بوده اند. که این خود به تنهایی توانسته مردم را از نمایندگان و روند مردم‌سالاری دور نگاهدارد. و اگر هم مجلسی را مردم سراغ داشته باشند. بر اساس سلايق شخصی، سمتی و حزبی بوده است که در محوریت همان منافع عده‌ی از مردم ترجیح داده شده است. اما در یک نگاه خوش‌بینانه نمایندگان هرات در کنار دیگر نمایندگان ملت افغانستان از دیگر ولایت برای احقاق حقوق شهروندان کشور به توانی که داشته اند تلاش ورزیده اند که این خود تلاشی برای تبرعی شان است. وجود بعضی از شخصیتی های هرات هم در بعضی از اجرات و کرسی های پارلمان هم به دیده‌قدر نگریده شده و باید یادآور شویم که در کنار نگاه تاریکی که به مسئله داشته ایم، وجود مشعلی در فراختای بیکران مشکلات افغانستان مارا به فردای روش امید می‌بخشد.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

پرسش‌ها از استاد ماليار

- 1 - با توجه به معايبي که برای احزاب سياسي بيان داشته ايد. و از سوي هم سيستم رای غير قابل انتقال را هم مردود شمرده ايد. پيشنهاد شما برای اوضاع کنونی کدام سيستم انتخاباتی است.
- 2 - به نظر شما اگر موانع حقوقی که بر فعاليت‌های حزبی در سيستم خدمات ملکی وجود دارد. مرفوع گردد باعث اخلاص در تاجر روند حزبی شدن فعاليت‌های اداری برای مردم نمی‌شود؟
- 3 - آیا غير از احزاب سياسي نهادهای ديگری هم در کنار حزب برای مشارکت سياسي وجود دارد.
- 4 - با توجه بر اينکه تعداد زيادی از احزاب در افغانستان به رویکرد های مختلف وجود دارند و بعضی از اين احزاب به تخلفات و جرایم جنگی، داشتن سلاح های سبک و سنگین و آشوبگيري اجتماعی متهم هستند، برای نظر شما معيار حزب چه می‌باشد.

پاسخ‌ها

ما یک کشور پسا بحران هستیم و همچنان میتوانیم بگویم که یک کشور در حال گذار هستیم. برای چنین کشور های معمولاً نظام‌های مختلط پيشنهاد می‌شود. در ابتدا برای کشور ما که پلوراريزم سياسي نداشت و در آن حکومت‌های موازی وجود داشت، سيستم رای منفرد غير قابل انتقال برای ما پيشنهاد خوبی بود. ولی حالا به توجه به روند مردم سالاری و شگوفایی نظريات و فرهنگ سياسي مردم اين سيستم نمی‌تواند جواب‌گوی پرسش‌ها و خواسته های مردم باشد. در اين خصوص باید اقدام اصلاحی صورت گرفته و آهسته و پيوسته نظام و سيستم انتخاباتی را باید تغيير دهيم. تا باشد که بتوانيم رای و نظام قابل استفاده و پاسخ‌گوی برای مردم ارائه دهيم.

در قسمت فعاليت های احزاب و افرادی که در فعاليت‌های اداری مشغول هستند هیچ مشکلی نمیتواند ایجاد نماید. وقتی ادئولوژی بتواند پاسخ‌گوی نیازمندی های مردم و اجتماع باشد هیچ مشکلی را در روند نظامند شدن مردم و دولت ایجاد نمی‌کند. بلکه باعث تقويت روند اصلاحی ادارات می‌شود. و همچنان برای برنامه‌های احزاب سياسي یک وزیر میتواند به شکلی خوبی برنامه‌های حزب خویش را برای مردم از دريچه‌ی دولت نشان دهند و در واقع میتوانيم بگويم که دولت بدون حزب معنی پیدا نمیکند .

در قسمت نهاد های موازی برای مشارکت میتوانيم به نهادهای مدنی، نهادهای رسانه‌ی و تظاهرات‌های که بصورت خود جوش است میتوانيم اشاره کنیم.

در رابطه به معيار ها برای احزاب را مطرح کرده ام، معيار دیدگاه و نظريات من حقوقی بوده است. ما دو نوع در رابطه به احزاب دو نوع معيار داریم. اول سياسي و دوم معيار حقوقی. در معيار سياسي بدین باور هستند که وقتی یک حزب سياسي ساخته می‌شود در نخست دیدگاه بر این است که یک مجموعه فکری و ادیولوژیک ساخته می‌شود. و وقتی این مکتب فکری ساخته می‌شود در حزب کسی نمی‌تواند مکتب فکری را سمتی و نژادی قرار دهد. و باید در این مکتب فکری شخص در روند اقتصادی، سياسي، فرهنگی و اجتماعی همان مکتب فکری را گسترش داده و این روند را ملی و بین‌المللی سازد. مکتب فکری سوسیالیستی بخودی خود یک مکتب سياسي و فکری است، شخصی که عضو حزب می‌باشد. نمیتواند این مکتب سياسي را به همه رویکردی که این مکتب در افغانستان

به خود اختصاص داده است. مربوط به یک سمت، قوم و یا شخص متعلق نماید. در قسمت معیار حقوقی، قانون اساسی و قوانین به تبع آن وجود دارد و صحبت است ماده ۳۵ قانون اساسی و موادت قانون احزاب به صراحت این موضوع را مطرح نموده و معیار های که باید یک حزب داشته باشد را معیین نموده اند. بر اساس یک تحقیقی که در دانشگاه واشتن انجام شده است، در افغانستان تنها حزب اسلامی شاخه ی آقای ارغندیوال است که توانسته تنها ۶۰ درصد از معیار های حقوقی یک حزب را بخود اختصاص داده باشد. و در رده های دیگر احزاب با معیار های کمتری در رده احزاب سیاسی افغانستان قرار گرفته اند.

 چهارمین دور کنفرانس هرات و سیاست «انتخابات و آینده‌ی مردم سالاری» برنامه کاری ۴ میزان ۱۳۹۷ خورشیدی	
چهارشنبه، ۴ میزان	
۸:۳۰ الی ۸:۴۵	ورود مهمانان به سالن
گرداننده: بانو مهدیس دوست نشست آغازین کنفرانس	
۸:۴۵ الی ۹:۱۰	<ul style="list-style-type: none"> • مناجات مولانا جلال الدین محمد بلخی • خوشامنگویی و سخنرانی رییس استیووت مطالعات استراتژیک افغانستان • سخنران ویژه: بانو وسیمه بادحیسی معاون اجرایی کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان
جلسه اول: انتخابات، چالش‌ها و فرصت‌ها	
گرداننده بانو نوریه نورزاده استاد دانشگاه	
۹:۱۰ الی ۱۰:۴۰	<ol style="list-style-type: none"> 1. آقای میرویس فضلی، استاد دانشگاه 2. بانو شائمه جعفری، عضو شورای ولایتی هرات 3. آقای سلطان احمد آریا، استاد دانشگاه <p style="text-align: right;">بحث آزاد</p>
صرف جای	
جلسه دوم: رسانه، اجتماع و انتخابات	
گرداننده بانو بهاره صمرانی	
۱۱:۰۰ الی ۱۲:۳۰	<ol style="list-style-type: none"> 1. آقای ثواب احمدی، رییس رادیو تلویزیون آریانا هرات 2. آقای علی‌الله آزاد، استاد دانشگاه 3. دکتر هادی رسولی، استاد دانشگاه 4. بانو الهه بنایی، فعال زنان <p style="text-align: right;">بحث آزاد</p>
صرف نان چاشت	
جلسه سوم: آسیب شناسی کاندیدان، پارلمان و نمایندگان مردم هرات	
گرداننده آقای وحید مرزبان	
۱۳:۳۰ الی ۱۵:۱۰	<ol style="list-style-type: none"> 1. آقای عبدالقیوم افغان، رییس کار و امور اجتماعی ولایت هرات 2. آقای زلمی مالیار، استاد دانشگاه 3. آقای محمد نصیر دولتی، آمر دارالانشای کمیسیون شکایات انتخاباتی <p style="text-align: right;">بحث آزاد</p>
جمع بندی و سخن اختتامیه	
۱۵:۱۰ الی ۱۶:۰۰	

پیوست ۲: نگاره‌های چهارمین کنفرانس هرات و سیاست



تماس با ما:
انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
آدرس کابل: قلعه ۹ برجه، کارته پروان، کابل، افغانستان
آدرس هرات: شرق پارک ملک یار، جاده مجیدی، هرات، افغانستان
پست بکس: پسته خانه مرکزی ۵۲۱۴



 @AISS_Afg
 www.facebook.com/AISSAfghanistan
 http://t.me/AISS_Afg
 +93 799840161
 www.aiss.af
 contact@aiss.af